

تأثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر نقش نماز)

علیرضا جزینی^۱
علی عباسی کسانلی^{۲*}
محسن پناهی^۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر نقش نماز می‌باشد. این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل فلسفی است. روش گردآوری اطلاعات، مطالعه اسنادی و جست‌وجوی اطلاعات علمی از منابع مکتوب و دیجیتال است. پژوهش نشان می‌دهد که نماز به عنوان یکی از ابعاد سبک زندگی اسلامی، نقش بسیار مهمی در پیشگیری از جرم دارد. دلیل آن نیز این است که سبک زندگی اسلامی و بخصوص نماز باعث می‌شود که انسان به یاد خدا باشد. از آنجا که انسان در هر روز ۵ بار نماز می‌خواند، همواره در دل خود به یاد خداست و همین کافی است که در حین اشتباه و ارتکاب به جرم از آن جلوگیری کند. البته برای این کار باید ابتدا سبک زندگی اسلامی را در جامعه نهادینه کرد و به صورت یک فرهنگ درآورد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، پیشگیری از جرم، نماز.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۵

۱. دانشیار گروه مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین

۲. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین
(نویسنده مسئول: hosainabasikasani13861106@gmail.com)

۳. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه تنها نیازهای جاری او را برآورده کند؛ بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم سازد. سبک زندگی را به زبان ساده می‌توان چنین تعریف کرد که در زندگی انسان اموری اعم از ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، مجموعه باورها و ادراکات و مجموعه‌ای گرایش‌ها و ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات و... وجود دارند که یک قالب کلی و روش خاصی از زندگی کردن را برای فرد مشخص می‌کنند و فرد در آن چارچوب زندگی می‌گذراند. مبنای مهم در سبک زندگی، جهان‌بینی و فلسفه‌ای است که فرد برای خود تعریف کرده است؛ و از طرف دیگر، جامعه و اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند جهان‌بینی و ایدئولوژی خاصی را تعریف نموده که افراد بر اساس آن زندگی خود را می‌گذرانند. با ظهور دین اسلام به‌عنوان دین کامل و نبوی، اصول اخلاقی و اجتماعی زندگی بسیار تحت‌الشعاع فرامین الهی قرار گرفت و در واقع زندگی متأثر از ویژگی‌های اسلام گردید که در آن آرامش و سلامت روانی تضمین شده است (حسینی‌زاده، علی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۷). لذا سبک زندگی نشئت‌گرفته از باورهای الهی، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در مقابله و پیشگیری از جرائم، با دارا بودن این عناصر پیشگیری، اهمیت خاصی در جرم‌شناسی پیشگیرانه و ایجاد نظم در جامعه پیدا کرده است. عدالت اجتماعی و نظم و انضباط به مفهوم واقعی و عمیق خود در جامعه‌ای حاکم می‌شود که باور به خدا و حضور و مشاهده خداوندی و روز رستاخیز در آن وجود داشته باشد. پرورش فضایل اخلاقی و جلوگیری از رذایل روحی و کنترل هوی و هوس‌ها، ایجاد آرامش و اطمینان از جمله آثار ارزشمندی است که در پرتو باور به این امور به وجود می‌آید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۶). با نگاهی به آموزه‌های دینی می‌بینیم که آنچه امروزه از آن به‌عنوان پیشگیری از جرم یاد می‌شود در تاروپود پیام‌های آسمانی و رهنمودهای انبیا و اولیاء الهی بوده است. ایمان به خدا و یاد او یک نیاز فطری و برخاسته از روحیه خداخواهی و خداجویی انسان است. حال اگر آدمی این میل فطری را نادیده بگیرد و از یاد خدا غافل شود، دچار تعارض و عدم تعادل در درون می‌شود و این مسئله زمینه را برای ارتکاب جرم و گناه در وجود آدمی فراهم می‌کند. لذا از بدیهی‌ترین اثرات ایمان به خدا، سلامت روح و تعادل و توازن در رفتار است که انسان را از ارتکاب جرم و گناه دور می‌کند. با توجه به اهمیت و نقش سبک زندگی اسلامی و بخصوص نقش نماز در پیشگیری از جرم، در این پژوهش سعی شده است تا این تأثیرات

سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از جرم، مورد واکاوی قرار گیرد و دید جامعی در مورد نقش سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرم ارائه شود.

روش پژوهش

این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل فلسفی است که جهت دستیابی به هدف پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. هدف پژوهش، تحلیل فلسفی، فهم و بهبود بخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی است که بر حسب آن تجربه را تفسیر می‌کنیم، مقاصد را بیان می‌داریم، مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم. در این پژوهش، مسئله سبک زندگی اسلامی و پیشگیری از جرم با تأکید بر نقش نماز مورد تحلیل، تفسیر و وضوح‌بخشی قرار می‌گیرند. همچنین، روش گردآوری اطلاعات، مطالعه اسنادی و جست‌وجوی اطلاعات علمی از منابع مکتوب و دیجیتال است.

نظریات سبک زندگی

از نظریه‌پردازان معاصر و معروف در حوزه سبک زندگی می‌توان به گیلنر و بوردیو اشاره کرد. به طور خلاصه نظریه گیلنر استدلال می‌کند، در دنیای مدرن، منابع هم‌ارز دیگری برای تفسیر کنش در دسترس افراد قرار دارد و همین امر تنوع گزینه‌ها را زیاد کرده است. یکی از پیامدهای آن اهمیت یافتن شیوه زندگی و اجتناب‌ناپذیر بودن آن برای فرد است. شیوه‌های زندگی به صورت عملکرد روزمره در می‌آیند. عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و مصرف تجسم می‌یابند. شخصی که خود را به یک شیوه زندگی معین متعهد می‌داند، انتخاب‌های دیگر خارج از موازین و معیارهای خویش می‌بیند (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱-۱۲۲). بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی به‌عنوان منبع تفسیر و هویت‌ساز افراد می‌تواند بر انتخاب الگوهای رفتاری تأثیر بسزایی داشته باشد. سبک زندگی با فرصت انتخابی که به وجود می‌آورد، به افراد تا حدی آزادی عمل می‌دهد تا بتوانند در زندگی خود دست به انتخاب بزنند. در نتیجه ممکن است افراد الگوهای رفتاری مختلفی نظیر رفتار بزهکارانه را برای خود برگزینند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). بوردیو در نظریه تجربه و پویایی‌گریزش خود، معتقد است: پرورش شخص در خانواده‌ها و طبقه‌های خاص، خواسته‌ها و تجربیات اولیه‌ای از زندگی برای فرد فراهم می‌کند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه او تبدیل می‌شود. این خواسته‌ها قابلیت نقل مکان دارد و در تمام اشکال اعمال، فعالیت و مصرف فرد

خودنمایی می‌کند که باعث تصویر متفاوتی از کردار و فعالیت در ذهن افراد می‌شود. این تفاوت در سلیقه‌ها و فعالیت‌ها به سبک‌های گوناگونی بستگی دارد که نیاز به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی دارند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

سبک زندگی در اسلام

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که سبک زندگی در اسلام بر چه چیزی استوار است؟ به‌طور کلی، نظر اسلام به نظر فردگرایان و جمع‌گرایان شبیه نیست، بلکه اسلام معتقد است: انسان و زندگی اجتماعی وی هر دو در تحلیل مسائل اجتماعی مهم هستند (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶). علامه طباطبائی یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان اسلام است که به‌طور کلی به مشارکت متریبان در تعیین قوانین گروه، به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر در رفتار اجتماعی اعتقاد دارد، اما این روش را به تنهایی کافی نمی‌داند؛ و در کنار این عامل به نقش ایجاد کنترل درونی در افراد تأکید می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۳۳-۱۳۷). براین اساس، می‌توان گفت: علامه با اعتقاد به نیروی بیشتر جامعه نسبت به فرد معتقد است اگر ابتدا جامعه و سبک زندگی اصلاح نشود، رفتار اجتماعی درست و غیربزهکارانه به وجود نمی‌آید. توجه به دین در سبک زندگی و تربیت اجتماعی اساسی برای تعدیل عقل و رأی افراد جامعه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی است؛ چرا که عقل و رأی که در دیدگاه اصالت فرد اهمیت زیادی دارد به تنهایی ممکن است در تشخیص حقیقت اشتباه کنند. بنابراین، کاربرد دین در سبک زندگی از دیدگاه علامه طباطبائی عبارت است از: ۱. ایجاد کنترل درونی از طریق پرورش اخلاقی مبتنی بر توحید؛ ۲. پیشگیری از بروز رفتارهای غیراخلاقی و بزهکارانه (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰).

پیشگیری از جرم

«پیشگیری»، در لغت به معنای «جلوگیری» و «دفع» آمده است و پیشگیری کردن یعنی «مانع شدن» (معین، ۱۳۸۱، ص ۹۳۳) که با مفهوم اصطلاحی آن در علوم جنایی هماهنگی دارد. پیشگیری امروزه در معنای «پیش‌بینی کردن» یا «آگاه کردن و هشدار دادن» به کار می‌رود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸). از نظر ریشه‌شناسی، کلمه پیشگیری دارای دو بُعد است: ۱. به معنی «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و جلوی چیزی رفتن»؛ ۲. به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است. اما در

جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی نخست آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی با استفاده از فنون مختلف از وقوع بزهکاری جلوگیری کردن است و هدف از آن، جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. از نظر علمی نیز، «پیشگیری از جرم به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زیان‌آور محتمل برای فرد یا گروه و یا هر دو به عمل می‌آید. مثل پیشگیری از جرائم جوانان و پیشگیری از حوادث در جاده‌ها» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۱ و ۲، ص ۵۳۶). شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب‌نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی (تیپولوژی) از پیشگیری ارائه شده است.

در موضع پیشگیری از وقوع جرم، مروری بر تعاریف ارائه شده پیرامون جرم امری گریزناپذیر است هرچند برخی از صاحب‌نظران علم جرم‌شناسی مانند *راب وایت* و *فیونا معتقدند*: پاسخ صریحی در خصوص اینکه جرم چیست؟، وجود ندارد. این دو نفر می‌گویند: تعریف جرم متناسب با دغدغه‌ها و جهان‌بینی افراد متفاوت است. برخی دیگر از جرم‌شناسان مثل *ریچارد اشنایدر* و *تدکچین جرم* را رویدادی پیچیده دانسته و می‌گویند: جرم زمانی اتفاق می‌افتد که چهار عامل هم‌زمان با هم وجود داشته باشند: قانون، مجرم، هدف و مکان وقوع جرم. آنها به نقل از فرهنگ انگلیسی *آکسفورد جرم* را این‌گونه تعریف می‌کنند: «عملی دارای مجازات قانونی که به موجب قانون ممنوع بوده و برای رفاه عمومی مضر باشد» (ریچارد و تدکچین، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

گسن، جرم‌شناس فرانسوی، برای پیشگیری چهار معیار در نظر گرفته است: ۱. اقدامی پیش‌گیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا «انحرافات جرم‌گونه» باشد، یعنی اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرایندهایی که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده و قاطع ایفا می‌کنند. ۲. تدابیر یا اقدام‌های پیش‌گیرنده جنبه جمعی دارد، یعنی مخاطب آن، کل جمعیت یا گروه یا بخش معینی از آن است. ۳. زمانی که هدف اجتناب از انتخاب رفتارهای مجرمانه یا منحرفانه است، اقدام‌ها یا تدابیری پیشگیرانه خوانده می‌شود که قبل از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کج‌روانه و نه بعد از آن اعمال شوند. ۴. بالاخره، اگر پیشگیری شامل اعمال تدابیر یا اقدام‌هایی قبل از ارتکاب هر جرم کیفری یا پیش از انتخاب هر رفتار منحرفانه است، در آن صورت، این تدابیر یا اقدام‌ها نمی‌توانند مستقیماً قهرآمیز و سرکوب‌گر باشند؛ زیرا اعمال سرکوبی کیفری مستلزم آن است که جرمی قبلاً ارتکاب یافته باشد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

پیشگیری در دین اسلام

ایمان به خدا سبب نگرش مثبت در انسان می‌گردد و این نگرش مثبت، او را به انجام اعمال شایسته تشویق و از زشتی و ناپسندی بازمی‌دارد. ثمرات بندگی خدا، همانا صداقت، عدالت، اخلاص، ایثار، فداکاری و گذشت است. این ویژگی‌ها باعث خودکنترلی فرد می‌شود. دین با ایجاد یک سامانه کنترل درونی قوی در انسان‌ها، آنها را از انجام کارهای خلاف باز می‌دارد. در سال‌های اخیر دین، به‌منزله یکی از عمده‌ترین عوامل مؤثر بر اعمال و حالات روانی، مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری قرار گرفته است. تا جایی‌که برخی دین را عامل اساسی در بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند. دینداری، پیامدهایی در دو سطح فردی و اجتماعی دارد. در سطح فردی، می‌توان به آثاری چون آرامش روانی، خشنودی و رضایت از زندگی و معنا بخشیدن به آن، تفسیر صحیح از مرگ و سلامت جسمانی اشاره کرد. در سطح اجتماعی نیز می‌توان از نوع‌دوستی، انسجام اجتماعی و حس مسئولیت‌پذیری و کاهش جرم و بزهکاری نام برد. حال این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهیم که دین با استفاده از چه راهکارهایی موفق به ایجاد چنین مصونیتی در انسان می‌شود. به‌طوری‌که آدمی حتی در خلوت و در شرایطی که چشمان نظاره‌گر انسانی وی را کنترل نمی‌کنند، از جرم و گناه اجتناب می‌کند.

در نگاه اول، ممکن است نقش جهان‌بینی توحیدی در پیشگیری از جرم و گناه چندان چشمگیر نباشد؛ اما با کمی دقت در منابع حقوق اسلام، به‌ویژه در آیات قرآن کریم، نقش بازدارندگی جهان‌بینی توحیدی در جلوگیری از جرم و گناه به خوبی قابل درک است. بی‌تردید، توحید و یکتاپرستی تنها یک امر درونی نیست، بلکه اعتقاد به حاکمیت خدا دارای آثار عملی در حیات مادی، معنوی و زندگی اجتماعی است و هرگونه فعالیت را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. به همین دلیل، پیروی از دین مبین اسلام یعنی پذیرفتن حاکمیت خداوند بر جهان و انسان (به‌گونه‌ای که همه عالم، محضر حق تعالی دانسته شود) و اعتقاد به روز حساب و معاد نقش بسیار زیادی در بازدارندگی فرد در ارتکاب جرم و گناه دارند. از این دیدگاه، جهان‌بینی توحیدی عاملی است که انسان را در کلیه شرایط، از انحراف و گناه بازمی‌دارد. نقش بازدارندگی این عامل نسبی است و در نزد همه افراد یکسان نیست، بلکه بستگی به میزان پایبندی آنها به مبانی جهان‌بینی الهی دارد. بنابراین، هر اندازه درجه ایمان و اعتقاد به خداوند در نزد مسلمانان بیشتر باشد، احتمال ارتکاب جرایم و معصیت کمتر خواهد بود. از طرف دیگر، قرآن کریم در داستان حضرت یوسف (ع) با ظرافت خاصی، نقش مبانی عقیدتی و جنبه‌های بازدارندگی

اعتقاد به جهان‌بینی توحیدی را تبیین کرده است (غلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۲).

راهکارهای مقابله با گناه (پیشگیری در آیات و روایات)

انسان برای اینکه در پرتگاه و دره گناهان و جرائم سقوط نکند، نیازمند یک اهرم است. از این جهت خطوط کلی کنترل انسان در برابر گناه را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد:

۱. تفکر: تفکر در عواقب کار، عامل مصونیت از گناه است. تفکر صحیح، مستقیم یا غیرمستقیم، عامل بازدارنده از انحرافات و گناهان می‌شود، و همچون آینه صاف، نشان‌دهنده زیبایی‌ها و زشتی‌ها است؛ چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ» (نهج البلاغه، ح ۵)؛ فکر آینه صاف است.

۲. شناخت حق تعالی و توجه به حضور خدا در همه جا: ایمان به خدا و اعتقاد به اینکه او بر همه چیز دانا و همیشه حاضر است، چنان نیرویی در انسان در برابر گناه به وجود می‌آورد که او را در برابر گناهان همچون سپری فولادین، نفوذناپذیر می‌کند. نیروهای انتظامی و امنیتی، هرچند قوی و گسترده باشند، قادر به جلوگیری از گناهان مخفی نیستند و هرگز نمی‌توانند در کنترل گناهان در خلوت، نقشی داشته باشند، ولی ایمان درونی می‌تواند نقش خلل‌ناپذیری در بازداری انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا کند، در آیات و روایات بر نقش ایمان در بازداری از گناه بسیار تکیه شده است. خداوند می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَرِي» (علق: ۱۴)؛ آیا انسان نمی‌دانند که خداوند [همه کارهایش را] می‌بیند؟ «إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِغُ الْمَرَادِ» (فجر: ۱۴)؛ قطعاً پروردگار تو در کمین‌گاه است. «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر: ۱۹). خداوند چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند، می‌داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است، آگاه می‌باشد. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف: ۲۳)؛ پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد خدا می‌افتند و بینا می‌گردند.

شناخت درست از خداوند موجب می‌شود که رفتار فردی و اجتماعی انسان تحت تأثیر آن قرار گیرد. برای نمونه، اگر انسان بداند که اعمال انسانی به خداوند عرضه می‌شود، می‌کوشد تا پیش از آنکه عرضه شود خودش به حساب و کتابش رسیدگی کند و مراقب اعمال خویش باشد. امام حسین (ع) فرموده است: «ان اعمال هذه الامة ما من صباح الا و تعرض على الله عز و جل» (مجلسی،

۱۴۰۴ق، ج ۷۰، ص ۳۵۳، ح ۵۴؛ همانا اعمال امت، هر بامدادان بر خداوند عرضه می‌شود.

۳. خودشناسی و توجه به شخصیت انسانی: یکی از عوامل بازدارنده گناه این است که انسان شخصیت خود را بشناسد و به آن توجه داشته باشد، چراکه وقوع بخشی از گناهان به این خاطر است که انسان به ارزش خود پی‌نبرده است اگر انسان به کنه ذات خود پی‌برد و بداند از کجا آمده و آمدنش بهر چه بوده، یقیناً در برابر گناهان لغزشی نخواهد داشت.

انسان از نگاه قرآن، خلیفه خدا و کسی است که فرشتگان بر او سجده کردند و خداوند همه چیز را برای او آفریده و به تسخیرش درآورده است. «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ» (جاثیه: ۱۳)؛ و خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از سوی خود مسخر شما ساخته. این تعبیرها گویای شخصیت ارزشمند و والای بشر، و مواهب مادی و معنوی الهی به اوست که گل‌سرسبد موجودات است.

۴. ایمان به معاد و یاد مرگ: ایمان به معاد، یعنی ایمان به یک زندگی ابدی و برتر که همه چیز آن از روی حساب است. ایمان به معاد، یعنی ایمان به دریافت کیفر و پاداش اعمالی که ما در دنیا انجام داده‌ایم؛ یعنی هیچ‌کدام از نیکی‌ها و بدی‌های ما نابود نمی‌شود. چنین عقیده‌ای نقش عمیقی در پرورش روح انسان دارد. از این رو، آیات توجه ویژه‌ای به آن دارند. «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمَلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا...» (آل‌عمران: ۳۰)؛ روز قیامت روزی است که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده است، حاضر می‌بیند... «خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ» (قمر: ۷)؛ انسان‌ها از قبرها بیرون می‌آیند، درحالی‌که چشم‌هایشان (از وحشت) خاشع و به زیر افتاده است و همچون ملخ‌های پراکنده (بی‌هدف) به هر سو می‌دوند.

۵. خداترسی و ترس از عواقب گناه: یکی از عوامل کنترل‌کننده گناه، ترس از خدا و عواقب گناه است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «مؤمن گناهِش را چون سنگ بزرگی می‌نگرد و می‌ترسد که آن سنگ بر سر او فرود آید، ولی کافر گناه خود را چون پشه‌ای می‌نگرد که از کنار بینی‌اش عبور کند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۸۲). همچنین، اگر بدانند باید همواره رضایت خداوند را جلب کند تا از خشم و غضب خداوندی در امان باشد، به جای رضایت خلق و معصیت خالق به رضایت خالق می‌اندیشد هرچند خلقی را معصیت کند و طبق دستور والدین مشرک خویش یا مسئولان و رهبران طاعی خود عمل نمی‌کند و تنها رضایت خداوند را می‌جوید. امام حسین (ع) در

این زمینه جلب رضایت مردم با نارضایتی خداوند را نادرست دانسته و فرموده است: «من طلب رضی الناس بسخط الله وکله الله الی الناس» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۱۲۶، ح ۸)؛ کسی که برای جلب رضایت مردم، موجب غضب خدا شود، خداوند او را به مردم وا می‌گذارد.

نقش عبادت و بخصوص نماز در پیشگیری از وقوع گناه و جرم

عاملی که می‌تواند تمام موارد یادشده را تضمین کند، عبادت است. اگر انسان به شناخت کامل از خود و معاد و... برسد، یقیناً به خاطر شکرگزاری و حتی خوف و ترس هم که باشد به عبادت خداوند می‌پردازد. عبادات، اگر به طور صحیح و با شرایط انجام گیرند، علاوه بر پاداش بسیار معنوی، در کنترل گناه هم مؤثرند. در قرآن هدف از روزه گرفتن تقوا و پاک‌سازی ذکر شده است: «یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الذِّینِ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما روزه واجب شد؛ چنانکه بر آنان که پیش از شما بودند، مقرر شد، باشد که پرهیزکار شوید.

رسول اکرم (ص) فرمود: «مثل الصلوة کمثل النهر جاری کلما صلی کفرت ما بینهما» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷)؛ نماز مانند آب جاری است، هر زمان انسان نمازی می‌خواند، گناهی را که میان دو نماز انجام شده است، از میان می‌برد. اصولاً مسلمانی که می‌خواهد نماز، روزه یا حج بجا آورد، مراقب است تا آنچه را که موجب از بین رفتن عبادات است، انجام ندهد. همین مراقبت یک نوع تمرین برای تقویت اراده و بالا بردن توان خود در برابر گناهان است؛ چراکه مقدار پرهیز از گناه، به مقدار اراده و استقامت انسان‌ها بستگی دارد. از طرف دیگر، نمود و تجلی اصول دین در نماز است به طوری که آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» با اشاره به اعمال مختلف در مجموعه نماز می‌نویسد: «طبیعت نماز از آنجاکه انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است» (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۶).

نماز بهترین و عالی‌ترین اعمال دینی است که دین اسلام به آن توجه زیادی کرده است و همین‌طور یک نیاز حقیقی و ضروری انسان است به میزان ضرورتی که برای افراد و اجتماع دارد دارای فواید و آثار فردی و جمعی است و همان نسبت که وجود آن منشأ خیرات و برکات است و

فقدان آن نیز زیان بار است. اگرچه عبادت در تمام ادیان الهی وجود دارد ولیکن بهترین نماز و زیباترین نوع عبادت نماز است که در اسلام آمده است و همین‌طور اکمل عبادت خدای تعالی نماز است (باوندی، ۱۳۸۸). نماز عامل موفقیت در انجام کارهاست و توفیقات الهی را روزافزون می‌کند. احکام آن به گونه‌ای است که رعایت دقیقش اثرات زیادی در حوزه‌های فردی، اجتماعی، فکری، اخلاقی، خانوادگی، روحی و روانی دارد. نماز، جوابگوی حل معضلات اجتماعی و خانوادگی است. نماز یک مکتب علمی و عملی برای پرورش ایمان و تعهد است. طبق بررسی‌های دانش‌های نوین، شخصیت انسان متأثر از عوامل درونی و بیرونی است که نماز در هر یک از این عوامل نقش مهمی دارد. شادابی جسم و روان در سنین مختلف، یکی از نیازهای جوامع امروز است و انسان اگر به حال خود رها شود در مشکلات طاقت فرسای زندگی قرار می‌گیرد پس نماز یک نیاز اساسی انسان است و دارای برکات بسیاری می‌باشد. نماز باعث ثبات شخصیت و اخلاق انسان و آرام شدن قلب و روح می‌شود. چراکه در نماز همه حواس و جسم متوجه خدا می‌شود و به هیچ چیز جز خدا و آیات قرآن که در نماز بر زبان آورده می‌شود فکر نمی‌شود، این امر باعث ایجاد آرامش و آسودگی روان انسان می‌شود (شهابی، ۱۳۸۸).

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «نخستین چیزی که خداوند بر امت من واجب کرد نمازهای پنج‌گانه است، و نخستین عملی که از آنان بالا برده می‌شود، و از آنان سؤال می‌شود همان نماز است». همچنین امام باقر (ع) فرمودند: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت اهل بیت (ع)». همچنین می‌فرمایند: «نماز ستون دین است، مَثَلُ آن مَثَلُ ستون خیمه است که وقتی استوار باشد میخ‌ها و طناب‌ها پا برجاست، و هرگاه ستون آن کج و شکسته شود هیچ‌کدام از آنها استوار نمی‌مانند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۲، ص ۲۱۸). امام صادق (ع) می‌فرمایند: «نخستین چیزی که از بنده حسابرسی می‌شود نماز است، پس اگر نماز پذیرفته شد اعمال دیگرش نیز پذیرفته می‌شود، چنانچه نمازش رد شود بقیه اعمال او هم قبول نخواهد شد» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲).

با توجه به احادیث فوق، اصل و اساس و ستون دین اسلام و سبک زندگی اسلامی نماز است و سایر اعمال و رفتار فرد مسلمان وابسته به نماز است؛ یعنی اگر فرد در اقامه نمازش ثابت‌قدم باشد سایر اعمالش را نیز به بهترین وجه انجام می‌دهد.

قرآن می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵)؛ نماز از فحشاء و

منکرات نهی می‌کند، درحالی‌که ما بسیاری از نمازگزاران را می‌بینیم که از ارتکاب گناهان بزرگ پروایی ندارند؛ چرا نماز آنان بازدارنده از فحشاء و منکرات نیست؟.

در پاسخ این اشکال، برخی از مفسران گفته‌اند: نماز مانند انسانی است که دیگری را از فحشاء و منکرات نهی می‌کند، به شخص نمازگزار می‌گوید: زنا مکن، ربا مخور، دروغ مگو، و... اما همان‌طور که در آن انسان، لازمه نهی این نیست که شنونده گوش هم بدهد، و از گفته او از منکر دوری کند، در نماز نیز چنین است؛ یعنی نماز مرتب به نمازگزار می‌گوید که چنین و چنان مکن، اما لازمه این نهی این نیست که نمازگزار هم از نهی‌اش اطاعت کند، و از آن کارها دست بردارد. مگر نهی نماز از نهی خدا مهم‌تر و مؤثرتر است؟! خدای متعال در آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛ به درستی که خداوند امر می‌کند به عدل و نیکی کردن و به عطا کردن به نزدیکان، و نهی می‌کند از کار زشت و ناپسند (نحل: ۹۰).

علامه طباطبائی، در جواب از اشکال مطرح شده می‌گوید: آنچه از سیاق آیه برمی‌آید؛ این است که اگر دستور داده‌اند که مردم نماز بخوانند، برای این است که نماز آنان را از فسق و فجور بازمی‌دارد، و این تعلیل می‌فهماند که نماز عملی است عبودی که بجا آوردنش صفتی در روح آدمی پدید می‌آورد که آن صفت - به اصطلاح معروف - پلیسی است غیبی، و صاحبش را از فحشاء و منکرات بازمی‌دارد، و در نتیجه جان و دلش را از قذارت گناهان و آلودگی‌هایی که از اعمال زشت پیدا می‌شود، پاک می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۷).

بر اساس آنچه که گفته شد، می‌توان گفت: هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است، نهی از فحشاء و منکر می‌کند، گاه نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ‌گونه اثری در او نبخشد هرچند نمازش صوری باشد، هرچند آلوده گناه باشد، البته این‌گونه نماز تأثیرش کم است. این‌گونه افراد اگر همان نماز را نمی‌خواندند شاید از این هم آلوده‌تر بودند. به هر حال، نهی از فحشاء و منکر سلسله‌مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط، دارای بعضی از این درجات است. به عبارت دیگر، طبیعت نماز از آنجاکه انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است.

یکی دیگر آثار نماز که با توجه به سبک زندگی اسلامی می‌تواند موجب پیشگیری از جرم شود

این است که نماز انسان را از سرقت باز می‌دارد. یکی از جرائم اجتماعی مبتلا به، سرقت است که رواج آن در جامعه سبب می‌شود بسیاری از هنجارهای اجتماعی شکسته می‌شود؛ اما نماز انسان را از این عمل زشت باز می‌دارد. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) نقل شده است: «فلان مرد در روز نماز می‌خواند و در شب دزدی می‌کند. پیامبر (ص) فرمود: نماز او را از دزدی باز می‌دارد» (کاشانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۶۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان این‌گونه نظریات مطرح شده را تحلیل کرد:

۱. سبک زندگی را به زبان ساده می‌توان چنین تعریف کرد: در زندگی انسان اموری اعم از ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، مجموعه باورها و ادراکات و مجموعه‌ای گرایش‌ها و ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات و... وجود دارند که یک قالب کلی و روش خاصی از زندگی کردن را برای فرد مشخص می‌کنند و فرد در آن چارچوب زندگی می‌گذراند. مبنای مهم در سبک زندگی، جهان‌بینی و فلسفه‌ای است که فرد برای خود تعریف کرده است؛ و از طرف دیگر جامعه و اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند جهان‌بینی و ایدئولوژی خاصی را تعریف نموده که افراد بر اساس آن زندگی خود را می‌گذرانند. جهان‌بینی و فلسفه زندگی که فرد انتخاب می‌کند بر امور زندگی وی تأثیر دارد و بر اساس این جهان‌بینی فرد از گناهان و بالتبع جرائم پرهیز می‌کند.

۲. جهان‌بینی توحیدی عاملی است که انسان را در کلیه شرایط از انحراف و گناه باز می‌دارد؛ نقش بازدارندگی دین و جهان‌بینی و بخصوص نماز نسبی است و در نزد همه افراد یکسان نیست، بلکه بستگی به میزان پایبندی آنها به مبانی جهان‌بینی الهی دارد. هر اندازه درجه ایمان و اعتقاد به خدا در نزد فرد بیشتر باشد احتمال ارتکاب گناه و جرائم کمتر خواهد بود.

۳. نماز، امری واجب است، و دارویی شفابخش برای هر درد بی‌درمان و کلید پیروزی برای رسیدن به هر موفقیت الهی است و راه رستگاری و رسیدن به کمال دنیوی و اخروی می‌باشد. نماز جوشش فطرت و تراوش زلال الوهیت است. نماز را می‌توان پلیسی غیبی دانست که صاحبش را از فحشا و منکرات و بالتبع جرائم باز می‌دارد و می‌توان گفت: منظور از نماز، رسیدن به صفت بازدارندگی است.

۴. در مجموع می‌توان گفت: برای تهیه برنامه‌ای جهت پیشگیری از جرم، باید به دین به‌عنوان منبعی جامع که تسلط دقیق و عمیق بر رفتار بشر دارد، توجه خاص داشت. توجه به مبانی دینی و اعتقادی در هر جامعه و ترویج اصول مذهبی میان مردم، می‌تواند باعث کاهش آمار جرم و ایجاد فضای سالم برای رشد و تکامل اخلاقی افراد شود. در واقع سبک زندگی اسلامی با توجه به مزایایی که در مطالب قبلی به آنها اشاره شد، این امکان را می‌تواند فراهم کند که افراد کمتر به جرم کردن پردازند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین.
- اباذری، یوسفعلی و حسن چاوشیان، ۱۳۸۱، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی»، *علوم اجتماعی*، ش ۲۰، ص ۳-۲۷.
- ابراهیمی، قربانعلی و همکاران، ۱۳۹۰، «اوقات فراغت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی افراد ۱۵-۶۵ ساله شهرستان جویبار)»؛ *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، ش ۴۴، ص ۷۱-۹۸.
- باوندی، فهیمه، ۱۳۸۸، *بررسی گرایش و عدم گرایش جوانان به نماز*، هجدهمین اجلاس سراسری نماز، قم.
- بهشتی، سعید و محمدعلی افخمی اردکانی، ۱۳۸۶، «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۴، ص ۷-۳۹.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، «مجموعه مقالات نماز و خانواده»، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، *زن در آئینه جلال و جمال*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۳ق، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی و محمد رازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حسینی‌زاده، علی، ۱۳۸۳، *سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)*، تهران، پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه.

- ریچارد شنایدر و تدکچین، ۱۳۸۶، *برنامه‌ریزی برای پیشگیری از وقوع جرم*، ترجمه فروزان سجودی، تهران، نشر میزان.
- رؤف، عزت، ۱۳۷۷، *مشارکت سیاسی زن*، ترجمه محسن آرمین، تهران، نشر قطره.
- شهابی، آرش، ۱۳۸۸، *نقش نماز در زندگی فردی و اجتماعی*، هجدهمین اجلاس سراسری نماز، قم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
- عابدی، منیره و همکاران، ۱۳۹۰، «تربیت اجتماعی از دیدگاه فردگرایان و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبائی»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال نوزدهم، ش ۱۳، ص ۳۹-۶۳.
- غلامی، حسین، ۱۳۸۳، *بررسی حقوقی جرم‌شناختی تکرار جرم*، تهران، میزان.
- کاشانی، فتح‌الله، بی تا، *منهج الصادقین*، تهران، اسلامیه.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، چ چهارم، تهران، نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۵، *میزان‌الحکمة*، تهران، دارالحدیث.
- محمدی، محمدعلی، ۱۳۸۶، «مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده: نقد رویکردهای فمینیستی به خانواده»، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- معین، محمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ فارسی*، شش جلدی، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مهریزی، مهدی، ۱۳۸۶، *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، تهران، علمی و فرهنگی.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۲۶، ص ۲۵.